

پیش‌خواب

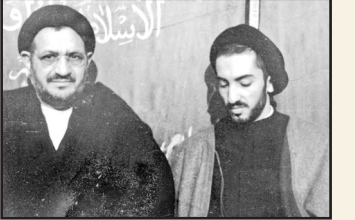
نیم‌نگاهی به اثر تاریخی–روایی «فدائیان اسلام در کلام یاران»

حدیث جهاد و شهادت

■ **محمدرضا کائینی**



اثری که هم‌پسنگ در معرفی آن سخن می‌رود، کارنامه رهبر و جمعیت فدائیان اسلام را به مدد روایت اعضا و نزدیکان آن، معرفی کرده است. این گفت‌و‌شنودها توسط مرکز اسناد انقلاب اسلامی انجام شده و در سال‌های اخیر، از سوی این مرکز نشر یافته است. عبدالرحمن حسینی فر، تدوین‌گر این مجموعه تاریخ شفاهی، درباره محتوای این کتاب، به مقدمه آورده است: «این کتاب، تحلیل و واکاوی گسره فدائیان اسلام در قالب تاریخ شفاهی و از زبان شاهدان عینی بسیاری از رخداد‌های دوران فعالیت گروه فدائیان اسلام است. عده‌ای از مبارزان دوره پهلوی که برخی از آنها خود عضو گروه و جمعیت فدائیان اسلام بودند، در میز‌گردهایی کنار هم نشسته و خاطراتشان را از آن دوران روایت کرده‌اند. آنان با تکیه بر ذهن خود و بر اثر همفکری، بسیاری از ناگفته‌های مربوط به جمعیت فدائیان اسلام و نکات مفیدی را از تاریخ معاصر نقل کرده‌اند. عمده‌ترین وجه تمایز اثر شفاهی پدید آمده‌اند، البته با موضوع جمعیت فدائیان اسلام این است که هر یک از روایت‌ها تقریباً به تأیید ضمنی دیگر شاهدان عینی حاضر در میز گرد درآمده است و این امر خواننده را از صحت و نزدیک به واقعیت بودن هر یک از وقایع و رخداد‌های مطرح شده مطمئن تر می‌سازد. امید آن‌که این کتاب مجموعه باشد برخی از ابعاد و زوایای پنهان فعالیت‌های جمعیت فدائیان اسلام را برای ثبت در تاریخ روشن کند. همانگونه که ذکر شد، اثر حاضر نوعی تاریخ شفاهی است، با این تفاوت که در آن محوریت با یک راوی نیست، بلکه ۱۰ نفر از روایان و شاهدان عینی وقایع و



■ **شهیدسیدمجتبی نواب‌مفوی در کنار پدر همسرش نواب احتشام‌رضوی**

رخدادها که چند تن از آنان عضو فدائیان اسلام بوده و از نزدیک بسیاری از حوادث را دیده‌اند، در مرکز اسناد انقلاب اسلامی گرد آمدند و با تکیه بر حافظه فردی و جمعی توانستند روایت کم و بیش جامعی را از عملکرد، تاریخچه و فعالیت جمعیت فدائیان اسلام بیان کنند. هر یک از شرکت‌کنندگان موضوعی درباره فدائیان اسلام را مطرح و دیده‌های خود را درباره آن روایت می‌کردند و دیگری‌هم که درباره آن موضوع اطلاعاتی داشتند یا خود شاهد عینی بودند، به کمک راوی می‌آمدند و می‌کو‌شیدند یا همفکری تمام ابعاد و زوایای موضوع را واکاوی می‌کردند. هر جا حافظه یکی از روایان یاری نمی‌کرد، راوی دیگر با تکیه بر حافظه فردی و یاری حافظه جمعی آن را پوشش می‌دادند و بحث را به سرانجام می‌رساندند.»

در ادامه این دیباچه، در باب چند و چون تنظیم و تویپ این اثر، چنین آمده است: «در جریان گفت‌وگوهای روایان تمامی مطالب ضبط و سپس بازنویسی شده است. البته شیوه اداره و نیز نحوه پیاده کردن گفت‌وگوها ظرافت خاصی را می‌طلبد و باید قبل از آن که راوی سخن بگوید، اداره‌کننده جلسه نام را بگوید تا روایت‌ها خلط و گفته یک راوی به نام راوی دیگر ثبت نشود. پس از پیاده شدن خاطرات در مرحله تدوین، ابتدا تمامی گفت‌وگوها و روایت‌ها بازخوانی و موضوعات مورد بحث مشخص شدند و با مطالعه تمامی مصاحبه‌ها همه موارد و گفته‌های مربوط به موضوع مورد نظر فیش برداری شد. همه فیش‌ها در کنار هم قرار گرفت و با رعایت تمامی نکات مربوط به شیوه تبدیل گفتار به نوشتار و رعایت قوانین تاریخ شفاهی، تمامی روایت‌های مربوط به هر موضوع ترتیب‌بندی نگارشی و تاریخی شدند. در این اثر روایان خاطرات، تقریباً درباره ۶۰ موضوع مهم سخن گفته‌اند که در مرحله تدوین سعی شده است بر اساس ترتیب‌بندی تاریخی شفاهی بخش تنظیم شوند. در هر یک از موضوعات تقریباً هر راوی نظراتی داده یا مشاهدهاش را روایت کرده که در مرحله تدوین سعی شده است هیچ‌یک از گفته‌های روایان حذف نشوند و با اندک دخل و تصرفی در جای خود قرار گیرد. ضمناً تلاش شد کلمات و عبارات در مورد افعال و افراد با رعایت امانت صاحب آن نقل شود تا ادبیات هر فرد تحریف نشود.»

نظری بر فرجام نظامی‌گری پهلوی اول و دوم در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی

ارتش پهلوی



نظری بر فرجام نظامی‌گری پهلوی اول و دوم در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی

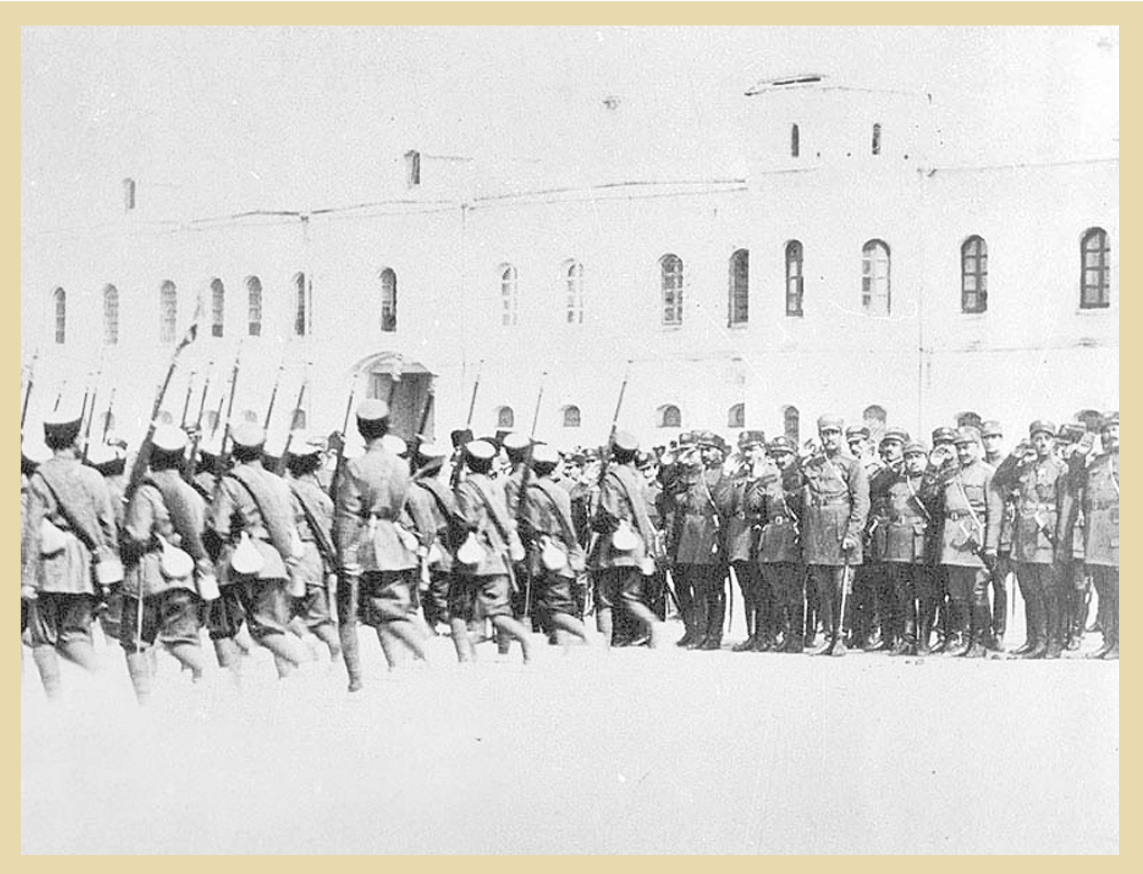
ارتش پهلوی یا زرادخانه تسلیحات امریکایی؟!

■ **احمدرضا صدروی**
روزهای اکنون، تداعی‌گر خاطره تلخ اشغال ایران توسط متفقین و کردار ملال آور رضاخان در برابر تجاوزات ایشان است. در این باره تاکنون در صفحه تاریخ جوان، مقالات فراوانی نشر یافته است. در مقالی که پیش‌روی شماست، ادامه شرایط ارتش ایران سابق وقوع و پیروزی انقلاب اسلامی مورد خواش قرار گرفته است. امید آنکه تاریخ‌پژوهان معاصر و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

■ ■ ■

■ **ارتش به مثابه ابزار سرکوب رضاخان**

در مقالات پیشین صفحه تاریخ جوان در باب ارتش رضاخانی، اشارت رفت که این نهاد نظامی در آن مقطع، علی‌الاصول برای مقابله با شورش‌های داخلی و سرکوب مخالفان حکومت تجهیز شده بود. طبیعی است چنین قشونی، توان و انگیزه لازم برای دفاع در برابر یک قدرت خارجی را نداشته باشد. از این روی در شهرپورماه ۱۳۲۰ همان پیش آمد که باید می‌آمد محمدرضا چیت‌سازبان، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران در باب رویکرد ارتش محوری رضاخان و فرزندش می‌نویسد: «نظام‌های سیاسی در کشورهای مختلف و جایگاه نهادهای اساسی در آن، همواره از موضوعات چالش‌برانگیز در محافل علمی و سیاسی بوده است. یکی از این نهادها که نقش کلیدی در روند تحولات در هر کشوری ایفا می‌کند، ارتش است. اهمیت این نهاد در کشورهای خاورمیانه – که همواره با بی‌ثباتی دست‌ و پنجه نرم می‌کردند- دو چندان بوده است. کشورهایی که در طول یکی دو سده اخیر، فراز و نشیب‌های گوناگون را پشت سر گذاشته‌اند، انقلاب‌های سیاسی به خود دیده‌اند. یکی از این کشورها که ارتش نقش مهمی در روند تحولات آن داشته، ایران است. این نهاد در دوران معاصر و به‌خصوص پس از شکل‌گیری ارتش ایران به واسطه درآمدهای دولت، نقش مهمی در نقاط عطف ایفا کرد و اهمیت خود را بیش به رخ کشید. این امر به‌ویژه در دوره پهلوی – که شیوه حکمرانی و جهت‌گرا یانه داشت و برای در دست داشتن سرشته امر، نیاز به نهادی بود که ابزار زور و سرکوب را در دست داشته باشد- قابلیت کاربست پیدا می‌کند. در واقع در دوره پهلوی و به‌ویژه پهلوی دوم، تلاش شد بخش قابل توجهی از درآمدهای پادآورده حاصل از فروش نفت، در زمینه نظامی-امنیتی خرج شود تا به این وسیله، حاکمیت خاندان پهلوی بر کشور تحکیم و تثبیت یابد. در دوره سلطنت رضاشاه با توجه به کشف نفت و درآمدهای حاصل از آن – که به جیب دولت می‌رفت- ساختار قدرت با



رضاخان در حال دیدن آرزو و زو،عضوهای قشون در میدان شفق تهران

در دوره پهلوسوی و به‌ویژه پهلوی دوم، تلاش شد بخش قابل توجهی از درآمدهای پادآورده حاصل از فروش نفت، در زمینه نظامی –امنیتی خرج شود تا به این وسیله حاکمیت خاندان پهلوی بر کشور، تحکیم و تثبیت یابد. در دوره سلطنت رضاشاه با توجه به کشف نفت و درآمدهای حاصل از آن، ساختار قدرت به سمت تمرکز قدرت پیش رفت. در نتیجه نهادهای نظامی و امنیتی به‌خصوص ارتش، نقش و جایگاه خاصی پیدا کردند، به نحوی که ارتش، ستون اصلی حکومت رضاشاه شد

و بوروکراتیک شاه بر نهاد ارتش، استفاده تمام‌عبار از مستشاران امریکایی در امر آموزش و تبدیل ارتش به زرادخانه تسلیحات امریکایی ا تسلیحات نظامی که محمدرضا پهلوی آنها را با صرف هزینه‌های هنگفت به‌دست آورده بود، اگرچه جنون نظامی او را اطفای می‌کرد، اما سبب شد تا او چشم خود را بر حقایق داخلی کشور و افزایش نارضایتی مردم ببندد، امری که سبب شد تا این صرف هزینه‌ها و خریدهای کودک‌وار تسلیحات، تبدیل به امری بی‌حاصل و بیهوده شود»

■ **«ستاد بزرگ ارتشاران» برای اطفای غریزه نظامی شاه!**
بیرانه‌نفته‌ایم اگر ادعا کنیم که پهلوی دوم پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، بنیاد حکومت خویش را بر تجهیز هر چه بیشتر ارتش نهاده بود و از این راه، به آسودگی خاطر می‌رسید! تشکیل «ستاد بزرگ ارتشاران» در عداد نهادهایی بود که تنها بر نظر شاه اداره می‌شد و وظیفه آن، تحقق آسای ولی در این نهاد به شمار می‌رفت، سیدمرتضی حسینی پژوهشگر تاریخ معاصر در باب حاشیه و متن تشکیل و اداره این ستاد، چنین تحلیلی دارد: «ارتش از اجزای وزارت جنگ محسوب می‌شد. روابط ستاد بزرگ ارتشاران با وزارت جنگ برابر گویا لوامر شاه و روش جاری ارتش شاهنشاهی بدین صورت بود که رئیس ستاد بزرگ ارتشاران و فرماندهان نیروهای سه‌گانه تحت امر مستقیم محمدرضا شاه (فرمانده کل) پنج‌ساله ۱۳۴۷-۱۳۵۶، ایران ۳۱ درصد از دارایی‌های خود را صرف هزینه‌های نظامی می‌کند که تا ۸۰ درصد این هزینه‌ها، صرف خرید از خارج و به‌خصوص از ایالات متحده می‌شود، تسلیحاتی که به اعتراف شاه، جزء تجهیزات بی‌مصرف محسوب می‌شدند و با قیمت‌هایی بسیار بالا به ایران ریخته می‌شد! در گزارش مجرمانه وزارت خزانه‌داری امریکا به بخش اقتصادی سفارت امریکا نیز آمده بود که میزان فروش تسلیحات نظامی امریکا به ایران در سال ۱۳۴۷، ۱۳۵۶، هر ساله چیزی نزدیک به ۱۱۹ میلیون دلار بوده است. در حقیقت نظامی‌گری دولت پهلوی از منظر ایدئولوژیک، به امرانی اشاره می‌کرد که بر اساس آن نیروهای نظامی بر اثر کان سیاست و حیات اجتماعی مردم آستینلا داشتند. این دیدگاه، ارتش نیرومندان مسأوی با ملت قدرتمند می‌دانست!

علاقه شخصی و فرایند محمدرضا پهلوی در گردآوری و مالکیت جنگ‌افزارهای نوین، تحت تأثیر عوامل پیشین دیگر، روند توسعه ارتش ایران را تسریع می‌کرد. شاه در زمینه تکنولوژی نظامی، دارای اطلاعات نسبتاً فراوانی بود و به این دانستن‌های خود، افتخار می‌کرد! او خود مسئله گفته بود: به خاطر نمونه‌ای که تبلور آن پدرم بود و اینکه من خود یک سربازم... به نوشته ماروین زوئیس، محمدرضا پهلوی در سراسر زندگی، به هر چیزی که به تیروی هوایی، هواپیما و پرواز مربوط می‌شد، دلچسپی شدیدی نشان می‌داد! توسعه اقتصادی را قبل از تقویت نظامی بی‌فایده می‌دانست و در مصاحبه با روزنامه لوموند، به‌صراحت گفت: برای ایران قدرت اقتصادی، بدون قدرت نظامی معنی ندارد! او این امر را حق به قیمت گرسنگی مردم توجیه می‌کرد، به‌نحوی که به سفیر امریکا گفت: «من بودجه‌دفاعی مملکت را تأمین می‌کنم، حتی اگر به قیمت گرسنگی مردم باشم... هر چه مخالف‌ها! حکومت پهلوی بیشتر می‌شد، شاه به دلیل فقدان مشروعیت مردمی خود و تصویر خشن ارتش در ذهن عمومی، چاره‌ای جز تقویت ماشین جنگی و دستگاه سرکوب خود نمی‌دید. حسین فردوست استراتژی نظامی شاه در سال‌های بعد از کودتای ۲۸ مرداد را در سه عنصر خلاصه می‌کند: نظرات شدید

بازرسی شاهنشاهی، دفتر مخصوص و رکن دو ایجاد کرد که بر کار ارتش نظارت نمایند. در واقع محمدرضا پهلوی متأثر از ویژگی شخصی گرایش‌اش، مجموعه‌ای از ارتش‌های رادور خود جمع کرده بود که تنها مطلعی شخص او بودند و وفاداری صد درصدی به وی داشتند و شاه از طریق آنان، در صدد تحقق آرزوها و رؤیایش نظامی بی‌فایده می‌دانست و در مصاحبه با روزنامه لوموند، بود. نیروی زمینی ارتش مرکب از ۲۵۵ هزار نیرو و متشکل از چهار لشکر زرهی، چهار لشکر پیاده‌نظام، چهار تیپ مستقل (پیاده نظام، زرهی، هوایرد و قسمت‌های ترابری، و توپخانه و پلاندن هوایی و زمینی وجود داشت. همچنین نیروی زمینی دارای ۹۵۰ فرود پرنده به ویژه بالگردهای هواینر بود. ارتش نیروی دریایی نیز بالغ بر ۲۵ هزار نفر نیرو مشغول فعالیت بودند و مجموعه‌ای از کشتی‌های پیشرفته در اختیار این نیرو قرار داشت. اما نیروی هوایی پیش از دو شاخه نظامی زمینی و دریایی رشد یافت. در این شاخه بیش از صدهزار نفر و ۴۶۰ هواپیمای گوناگون وجود داشت. همچنین مجموعه‌ای از شرکت‌های امریکایی از جمله نورث روب، لاکهید، جنرال الکتریک و گرومن و بل صنایع نظامی هوایی ایسران را مجیز و حفاظت می‌کردند. در مجموع ستاد بزرگ ارتشاران، نهادی نظامی در راستای منویات و مطامع شخص شاه بود که شخصی شدن قدرت، نفت و وابستگی به امریکا و باستان‌گرایی را علنی می‌کرد.»

■ **امام خمینی و تفکیک تاریخی بدنه ارتش شاهنشاهی از رأس آن**
به باور نگارنده، اکنون به فراز مهم این مسیر رسیده‌ایم. در این مرحله، به این نکته خواهیم پرداخت که این همه تلاش پهلوسوی اول و دوم در تجهیز ارتش و پذیرش حدود ۵۰ هزار مستشار برآی آن در دوره اخیر سلطنت، عملاً چه آورده‌ای برای ایشان داشت و آیا توانست آن‌دو را در روزهای خطر، محفوظ دارد. پاسخ آن بود که در برابر چشمشان ملت ایسران در دو دوره شهریور ۱۳۲۰ و بهمن ۱۳۵۷ روی داد! ادعا اکبر حیدری پژوهشگر تاریخ معاصر، در باب اولین اعلام

کمتری مصرف کنندند... با آغاز چهارمین جنگ بین اعراب و اسرائیل، قیمت نفت سیر صعودی گرفت و دو برابر شد. این افزایش بهاسبب شد در آمد نفتی ایران ۴۰۰ تولید متوسط روزانه عمیلیون بشکه، به ۲۱میلیارد ۴۰۰ میلیون دلار برسد! گزارش کارشناسان امریکایی به کمیته روابط خارجی سنا، فروش های نظامی امریکا به ایران شاه و روش جاری ارتش شاهنشاهی بدین صورت بود که رئیس ستاد بزرگ ارتشاران و فرماندهان نیروهای سه‌گانه تحت امر مستقیم محمدرضا شاه (فرمانده کل) پنج‌ساله ۱۳۴۷-۱۳۵۶، ایران ۳۱ درصد از دارایی‌های خود را صرف هزینه‌های نظامی می‌کند که تا ۸۰ درصد این هزینه‌ها، صرف خرید از خارج و به‌خصوص از ایالات متحده می‌شود، تسلیحاتی که به اعتراف شاه، جزء تجهیزات بی‌مصرف محسوب می‌شدند و با قیمت‌هایی بسیار بالا به ایران ریخته می‌شد! در گزارش مجرمانه وزارت خزانه‌داری امریکا به بخش اقتصادی سفارت امریکا نیز آمده بود که میزان فروش تسلیحات نظامی امریکا به ایران در سال ۱۳۴۷، ۱۳۵۶، هر ساله چیزی نزدیک به ۱۱۹ میلیون دلار بوده است. در حقیقت نظامی‌گری دولت پهلوی از منظر ایدئولوژیک، به امرانی اشاره می‌کرد که بر اساس آن نیروهای نظامی بر اثر کان سیاست و حیات اجتماعی مردم آستینلا داشتند. این دیدگاه، ارتش نیرومندان مسأوی با ملت قدرتمند می‌دانست!

علاقه شخصی و فرایند محمدرضا پهلوی در گردآوری و مالکیت جنگ‌افزارهای نوین، تحت تأثیر عوامل پیشین دیگر، روند توسعه ارتش ایران را تسریع می‌کرد. شاه در زمینه تکنولوژی نظامی، دارای اطلاعات نسبتاً فراوانی بود و به این دانستن‌های خود، افتخار می‌کرد! او خود مسئله گفته بود: به خاطر نمونه‌ای که تبلور آن پدرم بود و اینکه من خود یک سربازم... به نوشته ماروین زوئیس، محمدرضا پهلوی در سراسر زندگی، به هر چیزی که به تیروی هوایی، هواپیما و پرواز مربوط می‌شد، دلچسپی شدیدی نشان می‌داد! توسعه اقتصادی را قبل از تقویت نظامی بی‌فایده می‌دانست و در مصاحبه با روزنامه لوموند، به‌صراحت گفت: برای ایران قدرت اقتصادی، بدون قدرت نظامی معنی ندارد! او این امر را حق به قیمت گرسنگی مردم توجیه می‌کرد، به‌نحوی که به سفیر امریکا گفت: «من بودجه‌دفاعی مملکت را تأمین می‌کنم، حتی اگر به قیمت گرسنگی مردم باشم... هر چه مخالف‌ها! حکومت پهلوی بیشتر می‌شد، شاه به دلیل فقدان مشروعیت مردمی خود و تصویر خشن ارتش در ذهن عمومی، چاره‌ای جز تقویت ماشین جنگی و دستگاه سرکوب خود نمی‌دید. حسین فردوست استراتژی نظامی شاه در سال‌های بعد از کودتای ۲۸ مرداد را در سه عنصر خلاصه می‌کند: نظرات شدید



محمدرضا پهلوی در حال گفتگو با کتی چند از ارتش شاهنشاهی

۹۰ روزنامه جوان | شماره ۶۰۴۵

توجه امام خمینی به ارتش شاهنشاهی و تلاش برای تفکیک بدنه این نهاد از رأس آن آورده است: «شاید بتوان اولین اعلام موضع جدی و صریح امام در قبال ارتش در بویحوجه انقلاب را در دوران نخست‌وزیری شریفامامی دانست. مقطعی که حکومت تلاش کرد از بازوی نظامی خود بیش از پیش استفاده کند و با اعلام حکومت نظامی در شهرهای مختلف نمره سال‌ها مبارزه مردمی را عقیم سازد. پس از حکومت نظامی که برای اولین بار در شهر اصفهان اعلام شد، حضرت امام بسیار هوشمندانه از ارسال پیامی از نجف تلاش کرد ارتش را در مقابل مردم قرار ندهد. ایشان در بیاناتی گفتند: اگرچه حکومت نظامی از نسوی ارتش و نیروهای نظامی صورت می‌گیرد، ولی اینها سرباز وطن هستند و به‌نچار از فرمان شاه اطاعت می‌کنند. ایشان همچنین تلاش کردند تا نقش ارتش در سرکوب مردم را به سربازان و درجه‌داران گوشزد و به نوعی آن را عین ظلم ظالم تعبیر کنند. امام خمینی در ادامه مبارزه تلاش کرد تا جایی که می‌تواند بدنه ارتش را از نظام شاهنشاهی جدا کند. ایشان در ادامه با گسترش مبارزات مردمی و با شناخت ماهیت ارتش، با ارسال پیام به مناسبت‌های مختلف، ارتشیان را به‌ناقرمانی از دستورات فرماندهی فرامی‌خواندند. امام خمینی اصل نافرمانی و تمرد در ارتش را یک دعوت اسلامی می‌دانستند و از تمامی اقشار ملت مسلمان ایران می‌خواستند تا با آگاهی دادن به نیروهای ارتش و ژاندارمری رژیم پهلوی را به سقوط نزدیک کنند. ایشان از خلوده‌ها می‌خواستند در تغییر نگرش سربازان و ارتشی‌ها نقش خود را ایفا کنند. در واقع حضرت امام با ارسال پیام، از پدرها و مادرها خواستند تا فرزندانشان را که در ارتش خدمت می‌کنند از خدمت به شاه بازدارند. ایشان از درجه‌داران ارتش نیز می‌خواستند به مبارزه ملت ملحق شوند و توان خود را صرف اهداف انقلابی مردم سازند. از آنجا که بدنه و پیگرد ارتش و در واقع بیشترین تعداد نفرت ارتش را سربازان تشکیل می‌دادند، امام در مورد سربازان طرح فرار آنها از پادگان را مطرح کردند و در پیامی خطاب به سربازان در آذر ۱۳۵۷ فرمودند: من از سربازان سراسر کشور خواستارم از سربازخانه‌ها فرار کنند که این وظیفه‌ای است شرعی که در خدمت ستمگار نباید بود... به اعتراف ارتشید فریادگی، فتوای آقای خمینی درباره فرار نظامیان از سربازخانه‌ها، سبب از دیدار روزافزون فرار پرسنل نیرو مسلح شاهنشاهی به‌خصوص پرسنل وظیفه‌شده، آسار نامطلوب‌ابن وضعیت بدین‌صورت بود که قدرت مقاومت حضرت امام این پیام را برای سربازان مخایره کردند و ارتش نیروهای آن که بیکره اصلی‌اش با انقلاب همراه شده بود، تلاش برای تحقق این مهم را آغاز کرد. در واقع سربازان و درجه‌داران اقصی نقاط کشور از خراسان تا کرمان و شهرهای دیگر به دعوت امام ایستاد گفتند و به تعبیری به صف انقلاب پیوستند، به عنوان نمونه اعلامیه‌ای از سوی سربازان و افسران لشکر ۷۷ خراسان منتشر شد و در آن صریحاً از مبارزات مردم و رهبری امام خمینی حمایت به عمل آمد. این نیروها در بیانه خود به صراحت اعلام کرده بودند به بروی از فرمان شرعی مرجع عالیقدر که در راستای دستورات اسلام و منطبق با نص صریح قرآن است، از لشکر طاغوتی شاه خارج شد و به نهضت اسلامی مردم که لشکری خدای است ملحق می‌شوند. همچنین گزارشی از پادگان جی تهران در روز ۱۹ آذر ۱۳۵۷ حکایت از این داشت که چند تن از گروهبانیان قرار گذاشتند که برخی از سربازان و درجه‌داران را راضی کنند تا بعد از پایان روزهای منتهی به عاشورای حسینی از خدمت فرار کنند و به صف انقلاب و تظاهر کنندگان ببینوند. در همین مورد، از زنجان نیز مشخصات شخصی تعدادی از سربازان فراری را ذکر می‌کند که فرماندهی ضابطااعات ارتش واصل شد...»

^[1] توجه امام خمینی به ارتش شاهنشاهی و تلاش برای تفکیک بدنه این نهاد از رأس آن آورده است: «شاید بتوان اولین اعلام موضع جدی و صریح امام در قبال ارتش در بویحوجه انقلاب را در دوران نخست‌وزیری شریفامامی دانست

^[2] توجه امام خمینی به ارتش شاهنشاهی و تلاش برای تفکیک بدنه این نهاد از رأس آن آورده است: «شاید بتوان اولین اعلام موضع جدی و صریح امام در قبال ارتش در بویحوجه انقلاب را در دوران نخست‌وزیری شریفامامی دانست